Original Article Open Access



Child Rights Journal

2024; 6(23): 17-39

Journal Homepage: http://childrightsjournal.ir

International ThinkTank of Human Dignity

The Iranian Association of Medical Law

The Iranian Association of Child Rights

A Comparative Study of Children's Right to Play in Iranian Law and International Documents

Keivan Shabani Moghaddam[1]*, Reza Mohamadi[1], Aveen Hossein Saeid[1]

1. Department of Sports Management, Faculty of Physical Education, Razi University, Kermanshah, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Play is one of the essential elements of a child's physical, mental, and social development, and as one of the examples of the third generation of human rights, it plays a fundamental role in other child rights. Despite this right, a binding and enforceable position has not yet been foreseen for it in the Iranian legal system.

Method: The research method was based on a descriptive-analytical method. In the first stage, a qualitative study of Persian and Latin sources, including books, articles, and documents, was systematically conducted regarding the child's right to play in Iranian and international law. In the next stage, the data obtained from the research were analyzed and interpreted.

Results: The findings show that in the Convention on the Rights of the Child (Article 31), states are obliged to recognize, protect, and promote the right to play, and for this purpose, negative, supportive, and positive obligations have been defined. In contrast, in the Iranian legal system, although the National Document on the Rights of Children and Adolescents (2018) has referred to this right, its practical realization faces challenges due to the lack of enforcement guarantees, limited definitions of children, and weak supervisory institutions. A comparative study showed that the gap between cultural policies and legal obligations has weakened the position of this right in Iran.

Conclusion: Accordingly, the research suggests that by amending domestic laws, strengthening the independence of the National Committee on the Rights of the Child, and establishing a National Council for Children's Play, the right to play should be institutionalized as a binding right in educational and urban policymaking.

Keywords: Right to Play; Child Rights; Convention on the Rights of the Child; Iranian Legal System; Comparative International Law

Corresponding Author: Keivan Shabani Moghaddam; **Email:** keivanshabani@gmail.com

Received: March 16, 2024; **Accepted:** June 11, 2024

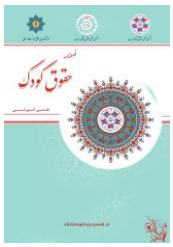
Please cite this article as:

Shabani Moghaddam K, Mohamadi R, Hossein Saeid A. Jurisprudential and Legal Restrictions on Adopted Children and Foster Parents with a View to the Educational and Social Consequences of Adoption. Child Rights Journal. 2024; 6(23): 17-39.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-23]

This Open Access Article Distributed under the Terms of the Creative Commons Attribution Non-Commercial License 4.0 (CC BY-NC 4.0)

مقاله پژوهشی
دسترسی آزاد



فصلنامه حقوق کودک

دوره ششم، شماره بیست‌وسوم، پاییز ۱۴۰۳، صفحات ۳۹-۱۷

Journal Homepage: http://childrightsjournal.ir

بررسی تطبیقی حق بر بازی کودکان در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی

کیوان شعبانی مقدم[1*]، رضا محمدی[1]، آوین حسین سعید[1]

۱. گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت‌بدنی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: بازی از عناصر اساسی رشد جسمی، ذهنی و اجتماعی کودک است و به عنوان یکی از مصادیق نسل سوم حقوق بشر، نقشی بنیادین در تحقق سایر حقوق کودک ایفا می‌کند. با وجود اهمیت این حق، در نظام حقوقی ایران هنوز جایگاه الزام‌آور و اجرایی مشخصی برای آن پیش‌بینی نشده است.

روش: روش اجرای تحقیق بر مبنای شیوه توصیفی ـ تحلیلی بود. در مرحله اول به طور نظام‌مند به بررسی کیفی منابع فارسی و لاتین اعم از کتاب، مقاله و اسناد موجود در رابطه با حق کودک بر بازی در حقوق ایران و حقوق بین‌الملل پرداخته شد. در مرحله بعد، داده‌های حاصل از پژوهش، تجزیه و تحلیل و تفسیر شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد که در کنوانسیون حقوق کودک (ماده ۳۱)، دولت‌ها موظف به شناسایی، حمایت و ترویج حق بر بازی هستند و برای این منظور تعهدات منفی، حمایتی و ایجابی تعریف شده است. در مقابل، در نظام حقوقی ایران، هرچند سند ملی حقوق کودک و نوجوان (۱۳۹۷ ش.) به این حق اشاره کرده است، اما به دلیل نبود ضمانت اجرا، تعاریف محدود از کودک و ضعف نهادهای نظارتی، تحقق عملی آن با چالش مواجه است. بررسی تطبیقی نشان داد که شکاف میان سیاست‌های فرهنگی و تعهدات حقوقی موجب تضعیف موقعیت این حق در ایران شده است.

نتیجه‌گیری: بر این اساس، پژوهش پیشنهاد می‌کند با اصلاح قوانین داخلی، تقویت استقلال کمیته ملی حقوق کودک و ایجاد شورای ملی بازی کودک، حق بر بازی به عنوان حقی الزام‌آور در سیاست‌گذاری‌های آموزشی و شهری نهادینه شود.

واژگان کلیدی: حق بر بازی؛ حقوق کودک؛ کنوانسیون حقوق کودک؛ نظام حقوقی ایران؛ حقوق بین‌الملل تطبیقی

نویسنده مسئول: کیوان شعبانی مقدم؛ **پست الکترونیک:** keivanshabani@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۶؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۳/۰۳/۲۲

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Shabani Moghaddam K, Mohamadi R, Hossein Saeid A. Jurisprudential and Legal Restrictions on Adopted Children and Foster Parents with a View to the Educational and Social Consequences of Adoption. Child Rights Journal. 2024; 6(23): 17-39.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-23]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

مقدمه

انسان با بازی‌کردن نخستین گام‌ها را برای اجتماعی‌شدن برمی‌دارد و کودک از این طریق بسیاری از نقش‌های اجتماعی را می‌آموزد. بازی با دیگران به کودکان فرصت می‌دهد رفتار خود را با رفتار دیگران هماهنگ کنند و دیدگاه‌های متفاوت را به حساب بیاورند. کودک به وسیله بازی، مفاهیمی همچون همکاری، پیروزی، شکست، رقابت و برقراری روابط انسانی را یاد می‌گیرد و از طریق همانندسازی و تقلید از رفتارهای بزرگسالان، نقش‌های اجتماعی را تمرین می‌کند (۱). بازی برای کودک فعالیتی جدی است که نمی‌توان او را از آن بازداشت، زیرا بسیاری از بازی‌ها، تمرین زندگی و شکل‌گیری شخصیت کودکان است. کودک با بازی زندگی می‌کند، در حین بازی زندگی را تجربه می‌کند، مهارت‌ها را تقویت می‌کند و با توانایی‌های خود آشنا می‌شود (۲). از منظر روان‌شناسی رشد و جامعه‌شناسی، بازی نه‌تنها ابزاری برای سرگرمی، بلکه یکی از مؤلفه‌های بنیادین رشد شناختی، عاطفی و اجتماعی و بستری برای تمرین نقش‌های اجتماعی و درک قواعد همکاری و رقابت به شمار می‌رود (۳).

بزرگسالان معمولاً هدف و نحوه استفاده از فضا و زمان را برای کودکان تعریف می‌کنند و کودکان راه‌هایی را برای بازی در شکاف‌های این نظم بزرگسالانه می‌یابند. مطالعات نشان می‌دهند بزرگسالان به نحو فزاینده‌ای زمان و مکان بازی کودکان را نهادینه می‌کنند و دسترسی مستقل کودکان به فضای عمومی رو به کاهش است (۵-۴). با این حال، این الگو یکنواخت نیست (۴) و بازی به دلیل نقشی که در یادگیری و رشد کودکان دارد، اغلب تحت هدایت بزرگسالان انجام می‌شود (۵). در بیشتر نقاط جهان، به ویژه در مناطق کمتر شهری، جدایی کمتری بین بزرگسالان و کودکان وجود دارد و کودکان هم‌زمان با کارهای روزانه و تحصیل، به بازی می‌پردازند (۶). با این حال، با جهانی‌شدن و افزایش صنعتی‌شدن، کودکان از محله‌های اطراف خود دور شده و فرصت درهم‌آمیختن بازی و کار کاهش یافته است (۷). در چنین شرایطی، حق بر بازی به عنوان یکی از حقوق نوپدید کودک، بیش از پیش اهمیت یافته و محدودشدن فضاهای عمومی، فشارهای آموزشی و تغییر سبک زندگی شهری، تحقق عملی این حق را تهدید می‌کنند (۸).

برخی محققان با بررسی روش‌هایی که کودکان در فرهنگ‌های بومی برزیل و آفریقا عناصر چالش‌برانگیز عاطفی را به بازی خود وارد می‌کنند، نشان داده‌اند که بازی برای آن‌ها امکان بروز شجاعت در مواجه با مشکلات را فراهم می‌آورد (۹). از منظر فلسفه حقوق، بازی می‌تواند بستر شکل‌گیری «خودآگاهی اجتماعی» باشد، زیرا کودک در فرایند بازی نه‌تنها با دیگران تعامل می‌کند، بلکه می‌آموزد حدود آزادی خود را در چارچوب قواعد بسنجد. به همین دلیل، حق بر بازی با مفاهیمی مانند آزادی، کرامت انسانی و حق بر رشد پیوندی مستقیم دارد (۱۰). اگرچه تمایل به تلقی بازی به عنوان فرایندی رهایی‌بخش وجود دارد (۱۱)، اما کودکان نه‌تنها جهان مادی و نمادین خود را با بازی تطبیق می‌دهند، بلکه ساختارهای قدرت را نیز تغییر می‌دهند و بسیاری از عبارات بازی کودکان شامل اعمال قدرت و حفظ الگوهای فرهنگی، جنسیتی و قومی است (۳). با این حال، بازی به عنوان امری که دنیای واقعی را به هم می‌زند، ممکن است فرصتی برای فراتر رفتن از شیوه‌های موجود و تغییر ساختارها ارائه دهد (۱۲). در این میان، نقش دولت‌ها در حمایت از فرصت برابر برای بازی و تضمین محیط‌های ایمن برای کودکان از بعد حقوقی اهمیت پیدا می‌کند و بازی نه‌تنها مسأله‌ای تربیتی، بلکه موضوعی حقوقی است که با تکالیف دولت‌ها در قبال رشد و رفاه کودکان ارتباط مستقیم دارد (۱۳).

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-23]

با توجه به مزایای بازی و پیامدهای بازی نکردن، روشن است که بازی امری تجملی نیست، بلکه مؤلفه‌ای اساسی و تفکیک‌ناپذیر از حیات کودک است. از این رو، حق کودکان بر بازی در اسناد مختلف بین‌المللی و به طور خاص در چارچوب کنوانسیون حقوق کودک مورد توجه قرار گرفته و ماده ۳۱ کنوانسیون به صراحت می‌گوید: «دولت‌های عضو حق کودک را برای بازی، استراحت و تفریح، شرکت در بازی یا فعالیت‌های تفریحی متناسب با سن کودک و شرکت آزادانه در فعالیت‌های فرهنگی و هنری به رسمیت می‌شناسند» (۱۴). باوجود شواهد گسترده از آثار مثبت بازی بر رشد کودک، حق بر بازی همچنان یکی از حقوق کمتر اجرا شده و نادیده گرفته شده است، به ویژه در کشورهای در حال توسعه که سیاست‌گذاری‌ها غالباً بر آموزش و نظم اجتماعی متمرکز است (۱۵). این موضوع در ایران نیز قابل مشاهده است، جایی که، هرچند در برخی قوانین و اسناد به بازی اشاره شده، اما چارچوب الزام‌آور قانونی برای تحقق این حق وجود ندارد (۱۶). با توجه به اهمیت و جایگاه ملموس حق کودکان بر بازی، پرسش محوری این پژوهش آن است که جایگاه حق بر بازی در نظام حقوقی ایران چیست و این نظام تا چه اندازه با استانداردهای مندرج در کنوانسیون حقوق کودک همخوان است؟ فرضیه تحقیق آن است که چارچوب حقوقی ایران نسبت به حقوق بین‌الملل از ضمانت اجرایی ضعیف‌تری برخوردار است و نگاه فرهنگی بر نگاه حقوق‌محور غلبه دارد. پژوهش حاضر با روش توصیفی ـ تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای، اسناد ملی و بین‌المللی و مطالعات تطبیقی انجام شده است. هدف اصلی، شناسایی خلأهای حقوقی در نظام ایران و ارائه پیشنهادهای اصلاحی برای تقویت جنبه الزام‌آور حق بر بازی است.

۱. پیشینه پژوهش: تاکنون اسناد بین‌المللی متعددی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر حق کودکان بر بازی تأکید دارند تصویب شده و پژوهش‌های مختلفی به بررسی حق کودکان بر بازی پرداخته‌اند که عمدتاً در کشورهای توسعه‌یافته صورت گرفته است. هر سرزمینی بر اساس فرهنگ، پیشینه، امکانات و تعریف خود از این حق، راهکارهای مختلفی را برای تحقق آن در پیش گرفته است، با این حال و به رغم تلاش‌های مختلفی که در خلال دهه‌های گذشته صورت گرفته است، کودکان به ندرت به عنوان ذی‌نفعان کلیدی در زمینه محافظت از حقوق خود در سازمان‌های ورزشی مشارکت دارند (۱۷)، اگرچه این روند به آرامی در حال تغییر است (۱۸)، اما تجربه نشان می‌دهد که در شنیدن صدای کودکان تعلل صورت می‌گیرد. الیاسون (Eliasson) (۲۰۱۵ م.) با بررسی دیدگاه و چگونگی تجربیات کودکان ورزشکار و مربیان در زمینه حقوق کودک دریافت که نه کودک ورزشکاران و نه مربیان از محتوای این کنوانسیون در رابطه با ورزش آگاهی نداشتند (۱۹). دونالدسون (Donaldson) و همکاران (۲۰۱۱ م.) دریافتند که تطبیق اهداف کنوانسیون با «دنیای واقعی» باشگاهی ورزشی ضروری است و استدلال کردند که رعایت حقوق کودکان در ورزش تنها در صورتی موفقیت‌آمیز خواهد بود که کسانی که تحت تأثیر قرار می‌گیرند آن‌ها به عنوان سیاستی که ملزم به اجرای هستند ببینند، نه به عنوان نوعی بیانیه نمادین (۲۰). در پژوهش‌های جدید، نگاه به حق بر بازی از سطح تربیتی فراتر رفته و به عنوان یک حق انسانی و اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. «لوندی (Lundy)» ۲۰۱۹ با تمرکز بر مفهوم مشارکت کودک در سیاست‌گذاری‌ها، تأکید دارد که دولت‌ها موظف‌اند نه‌تنها فضای فیزیکی، بلکه بستر اجتماعی و فرهنگی تحقق این حق را فراهم کنند.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-23]

در سطح بین‌المللی، کمیته حقوق کودک سازمان ملل در «تفسیر عمومی شماره ۱۷» (۲۰۱۳ م.) صراحتاً اعلام کرده است که حق بر بازی یکی از ارکان بنیادین رشد سالم کودک است و دولت‌ها موظف‌اند موانع فرهنگی، اقتصادی و جنسیتی در مسیر تحقق این حق را برطرف کنند (۲۱). این سند مرجع اصلی تبیین معیارهای الزام‌آور اجرای ماده ۳۱ کنوانسیون محسوب می‌شود.

گزارش‌ها نشان می‌دهند که خانواده‌ها اهمیت اندکی برای بازی قائل‌اند (۲۲)، در مدارس نیز، زمین‌های بازی فراگیر از سطح مطلوب فاصله دارند. افزون بر این، در برنامه‌های ورزشی اهمیتی ویژه‌ای به طور مستقل به بازی داده نمی‌شود. در پژوهشی تطبیقی در اسپانیا و برزیل، پایاریکو و بنتولا (Payà Rico & Bantulà) (۲۰۲۱ م.) دریافتند که محدودیت فضاهای ایمن شهری، فشارهای آموزشی و غیبت سیاست‌گذاری رسمی درباره بازی، سه مانع اصلی تحقق این حق هستند (۲۲). یافته‌های مشابهی در پژوهش‌های «احمدی» (۲۰۲۰ م.) و «توفیقی» (۲۰۲۲ م.) در ایران نیز تأیید شده است، جایی که ساختارهای آموزشی و شهری کشور بیشتر بر جنبه‌های کارکردی آموزش تمرکز دارند تا حقوق تفریحی کودک (۲۴-۲۳). در کشور ما نیز به رغم آنکه مطالعات فراوانی در رابطه با حقوق کودکان و مسائل مربوط به آنان صورت گرفته است، تاکنون تلاش مشهودی پیرامون حق بر بازی کودکان از منظر حقوق ایران و حقوق بین‌الملل صورت نگرفته است و تحقیقاتی که تاکنون انجام گرفته‌اند، عمدتاً به جایگاه حقوق کودکان در نظام بین‌المللی و حقوق ایران به طور کلی و نیز، بررسی حق کودکان بر آموزش و تحصیل در قالب اسناد بین‌المللیِ حقوق بشری پرداخته‌اند. به طور خاص، پژوهش‌های پیشین صرفاً به تبیین جایگاه کلی حقوق کودک پرداخته‌اند و مفاد ماده ۳۱ کنوانسیون (حق بر بازی و تفریح) را بررسی نکرده‌اند. از همین رو، می‌توان گفت که در ادبیات علمی کشور، خلأ آشکاری در تحلیل حقوقی و تطبیقیِ این حق وجود دارد. بنابراین آشنایی بیشتر با این حق مغفول و برداشتن گام‌هایی برای ترویج و ارتقای آن در کشور ضروری می‌نماید. بر همین مبنا، پژوهش حاضر با تمرکز بر مقایسه ساختاری میان حقوق ایران و نظام بین‌المللی، می‌کوشد جایگاه این حق را در چارچوب قانون اساسی، اسناد ملی و الزامات بین‌المللی ایران شناسایی کند و با ارائه تحلیل‌های تطبیقی، زمینه‌ای برای تدوین راهبردهای اجرایی فراهم آورد.

۲. تعریف کودک: در لغت‌نامه دهخدا، کودک به معنای صغیر، کوچک، طفل و بچه خردسال انسان، خواه پسر باشد یا دختر و فرزندی که به حد بلوغ نرسیده است تعریف شده است. در اصطلاح فقها، کودک کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده است. بر این اساس، به پسر زیر ۱۵ سال تمام قمری و دختر زیر ۹ سال تمام قمری کودک اطلاق می‌شود. کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد، کودکان را به عنوان افراد زیر ۱۸ سال تعریف می‌کند، مگر اینکه سن بلوغ در قوانین داخلی پایین‌تر از این تعریف و تفسیر شده باشد. از نظر سند ملی حقوق کودک و نوجوان، منظور از کودک هر انسانی است که به سن بلوغ نرسیده باشد و منظور از نوجوان فرد بالغی است که براساس قانون به رشد عقلی متناسب با حق و تکلیف ویژه خود نرسیده است. این تعریف شامل افراد بالغ محجور نمی‌شود. اختلاف میان تعاریف فقهی، قانونی و بین‌المللی از کودک یکی از چالش‌های بنیادین در اجرای حقوق کودک در ایران محسوب می‌شود، در حالی که تعریف کنوانسیون حقوق کودک، معیار سنی ثابت ۱۸ سال را مبنا قرار داده، نظام حقوقی ایران بر پایه ملاک بلوغ شرعی استوار است که با توجه به تفاوت جنسیتی، موجب ناهمگونی در حمایت‌های قانونی از دختران و

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-23]

پسران می‌شود (۲۵). به موجب «تفسیر عمومی شماره ۴» و «تفسیر عمومی شماره ۲۰» کمیته حقوق کودک سازمان ملل، سن ۱۸ سال نه‌تنها حد سنی نمادین، بلکه حدی حمایتی تلقی می‌شود که هدف از آن تضمین حداکثر حمایت از رشد جسمی، روانی و اجتماعی کودک است (۲۶). از این منظر، کاهش این سن در نظام داخلی به معنای کاهش حمایت‌های بین‌المللی محسوب می‌شود. در بسیاری از نظام‌های حقوقی تطبیقی، از جمله در فرانسه، آلمان و نروژ، مفهوم «کودک» به صورت یکنواخت و غیر تفکیکی در قوانین مدنی، کیفری و حمایتی تعریف شده است؛ این رویکرد از منظر وحدت معیار حمایتی، بر تضمین حقوق بنیادین کودک تأثیر مستقیم دارد (۲۷). در مقابل، در نظام‌های مبتنی بر فقه اسلامی، مانند ایران، عربستان و سودان، معیار بلوغ شرعی غالب است که اغلب موجب تعارض با تعهدات بین‌المللی می‌شود (۲۸). در حقوق ایران، این دوگانگی به ویژه در حوزه‌های کیفری، مدنی و خانواده نمود دارد. برای نمونه، در قانون مجازات اسلامی، مسئولیت کیفری دختران از ۹ سال قمری و پسران از ۱۵ سال آغاز می‌شود، در حالی که قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ معیار حمایت را تا ۱۸ سالگی در نظر گرفته است. این تناقض حقوقی در عمل اجرای همسان حقوق کودکان، از جمله حق بر بازی و سایر حقوق اجتماعی را دشوار می‌سازد (۲۹). بنابراین از منظر تطبیقی، می‌توان گفت نظام حقوقی ایران با وجود پذیرش کنوانسیون حقوق کودک (۱۳۷۲ ش.)، هنوز در مرحله انطباق مفاهیم بنیادین مانند تعریف «کودک» با استانداردهای جهانی قرار دارد. این نه‌تنها در اجرای حق بر بازی، بلکه در تحقق سایر حقوق اساسی کودکان تأثیرگذار است و نیازمند بازنگری قانونی و فقهی است (۳۰).

۳. مفهوم‌شناسی بازی و تمایز آن از حق بر بازی

۳-۱. حق بر بازی به عنوان مطالبه حقوقی: در مقابل تعریف روان‌شناختی از بازی، کمیته حقوق کودک سازمان ملل در «تفسیر عمومی شماره ۱۷» (۲۰۱۳ م.) بازی را به عنوان «شکل اساسیِ بیانِ خلاقیت، تخیل و رشد فردی کودک» تعریف می‌کند و آن را جزو حقوق غیر قابل تفکیک از کرامت انسانی می‌داند (۲۱). در این تعریف، بازی نه‌تنها ابزار یادگیری، بلکه یکی از مؤلفه‌های بنیادین رشد سالم جسمی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی کودک است. از این منظر، بازی نه‌تنها زمینه‌ساز یادگیری است، بلکه ابزاری برای تحقق مشارکت سیاسی و اجتماعی کودکان نیز محسوب می‌شود. به ویژه در اسناد جدید بین‌المللی، بازی با حق مشارکت (ماده ۱۲) و حق رشد (ماده ۶) کنوانسیون حقوق کودک ارتباط متقابل دارد (۸).

پژوهش‌های داخلی نیز به ابعاد مختلف این حق پرداخته‌اند. توتونچیان (۱۳۹۹ ش.) در پژوهش خود با عنوان «حق بر شادی کودکان، جلوه‌ای از حقوق بشر در عصر مدرن»، تصریح کرد که با توجه به خصوصیات و رفتارهای طبیعت‌دوستانه کودکان، فراهم‌کردن شرایط مشارکت اجتماعی کودکان و ایجاد شرایطی برای شکل‌گیری شهر دوستدار کودک، از جمله راهکارهایی است که می‌تواند راه را برای دستیابی کودکان به حق بر شادی فراهم سازد. او نتیجه گرفت که تحقق حق بر شادی کودکان، نیازمند تغییر رویه‌های زندگی اجتماعی و شهری به نفع حقوق کودکان است (۳۱). بیگی (۱۳۹۸ ش.) در پژوهش خود با عنوان «راهبردنگاری قانونی برای کودکان و نوجوانان در سیاست‌گذاری آموزشی» نتیجه گرفت که حق آموزش و تحصیل کودکان در قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیلِ اطفال و جوانان ایرانی و قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، با راهبردهای ناقصی

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-23]

تضمین شده است (۳۲). حججی نجف‌آبادی و پاپا (۱۳۹۸ ش.) در پژوهش خود با عنوان «حق بر آموزش کودکان در اسناد بین‌المللی حقوق بشر»، ضمن تأکید بر اصل حمایت از کودکان و شناسایی حقوق بنیادین آن‌ها، بر حق دسترسی به امکانات آموزشی، حق برخورداری از آموزش باکیفیت و استاندارد، احترام به شأن و منزلت انسانی کودک، آموزش بدون تبعیض در تمام مراحل کودکی، در دسترس‌بودن امکانات آموزشی و برابری فرصت‌ها تأکید کردند (۳۳). نیازپور و حومدین (۱۳۹۶ ش.) در پژوهش خود با عنوان «بررسی حق کودک بر تفریح و سرگرمی»، نتیجه گرفتند که «با توجه به اهمیت تفریح و سرگرمی در رشد شخصیت و درمان مشکلات عاطفی و روانی و اجتماعی کودکان، آن‌ها سخت به بازی نیاز دارند و ضرورت ارضای این نیاز، حتمی به نظر می‌رسد» (۳۴).

۳-۲. بازی به عنوان فعالیت روان‌شناختی و آموزشی: «بازی» هر نوع فعالیتی است که توسط کودکان با میل و اختیار و به منظور تفریح و شادی، با دقت و تمرکز و پشتکار و بدون تأکید بر نتیجه نهایی دنبال گردد (۱). نگرش‌های مختلفی نسبت به بازی کودکان وجود دارد از نادیده‌گرفتن آن به عنوان اتلاف وقت یا امری پیش‌پاافتاده، تا محدودسازی آن به عنوان کاری خطرناک یا خرابکارانه و استفاده از آن به عنوان سازوکاری برای آموزش یا اجتماعی شدن. به تعبیر پیاژه (۱۹۶۲ م.) بازی ابزاری برای درونی‌سازی مفاهیم شناختی است و به گفته ویگوتسکی (Vygotsky) (۱۹۷۸ م.)، بستری است برای رشد اجتماعی از طریق تجربه نقش‌ها و قواعد. از منظر روان‌شناسی رشد، بازی به کودک اجازه می‌دهد تا دنیای واقعی را از نو بسازد، شکست را تجربه کند و خلاقیت خود را بروز دهد (۳۵).

مشکل تعریف بازی و نقش آن در زندگی کودک، یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های پیش روی علوم عصب‌شناسی، زیست‌شناسی رفتاری، روان‌شناسی، آموزش و پرورش و به طور کلی علوم اجتماعی است. بازی اغلب به عنوان رفتاری توصیف می‌شود که هم از واقعیت جدا است و هم رابطه‌ای با آن دارد؛ بخشی از جهان و در عین حال، جدا از آن این امر خود را به شیوه‌های مختلفی نشان می‌دهد، از جمله رفتارهای بسیار فعالی مانند تعقیب و گریز، نمایش‌دادن، بازی زبانی، بازی اجتماعی، بازی با قوانین و بازی ساخت و ساز. در میان این اشکال مختلف، بازی معمولاً با ماهیت ظاهری خودانگیخته، اختیاری و غیر قابل پیش‌بینی‌اش، به همراه نشانه‌های لذت و تفریح قابل تشخیص است، اگرچه هنوز بسیاری از افراد ارزش چندانی برای بازی قائل نیستند، اما بازی در همه فرهنگ‌ها یافت می‌شود و به طور فزاینده‌ای به عنوان سنگ بنای رشد و تکامل سالم کودکان نگریسته می‌شود. تحقیقات مختلفی نقش حیاتی بازی را در رشد شناختی، اجتماعی و جسمانی کودکان برجسته کرده‌اند (۱، ۳۶). بازی نه‌تنها می‌تواند به تقویت رشد عصبی و توسعه فعالیت‌های پیچیده مغز و انعطاف‌پذیری شناختی کمک کند، بلکه می‌تواند امکان توسعه مفاهیم و ایده‌ها را نیز افزایش دهد (۳۷). کودکان از طریق بازی می‌توانند مهارت‌های تفکر نقادانه را در خود ایجاد کنند و با به کارگیری تخیلات، ایده‌های خود را بپرورانند (۱۰). کلاس‌های برنامه‌های خوب طراحی شده که از بازی به عنوان ابزاری برای یادگیری استفاده می‌کنند، می‌توانند محیطی ایمن را ایجاد کنند که در آن اشتباهات عواقب کمتری دارند و می‌توان بیشتر خطر کرد و بیشتر آموخت. افزون بر این، بازی می‌تواند یک محیط آموزشی جذاب ایجاد کند که در آن کودکان با شور و اشتیاق به یادگیری می‌پردازند (۳۸).

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-23]

یادگیری از طریق بازی به توانایی کودکان برای مشارکت به عنوان عوامل فعال ایجاد تغییر در زندگی، جوامع و دنیای خود کمک می‌کند. مشارکت کودکان به عنوان فرآیندهای مستمری است که شامل تبادل اطلاعات و گفتگو بین کودکان و بزرگسالان براساس احترام متقابل است و طی آن کودکان می‌توانند بیاموزند که چگونه نظرات خودشان و بزرگسالان درنظر گرفته می‌شود و نتیجه چنین فرآیندهایی را شکل می‌دهد (۳۹). از زمان تصویب کنوانسیون حقوق کودک، پژوهش‌های زیادی نشان داده‌اند که کودکان چگونه می‌توانند با کارهایی که در زندگی روزمره خود انجام می‌دهند بر تصمیماتی که به صورت فردی و جمعی گرفته می‌شوند، تأثیرگذار باشند (۴۰).

۳-۳. تمایز مفهومی و پیامدهای سیاست‌گذاری: این تنوع در نگرش‌ها سبب شده است که در سیاست‌گذاری‌ها نیز تعارضاتی شکل گیرد. در برخی نظام‌های آموزشی مانند ژاپن و فنلاند، بازی به عنوان عنصر مرکزی آموزش اولیه در نظر گرفته می‌شود، اما در برخی کشورهای دیگر، نگاه ابزاری به بازی موجب محدودشدن آزادی کودکان شده است (۳۵، ۴۱). در ایران نیز غالب برنامه‌های آموزشی، بازی را ابزار فرعی آموزش می‌دانند نه یک حق مستقل که این موضوع از منظر حقوقی محل نقد است (۲۵). در نتیجه، می‌توان گفت که تعریف «بازی» در گفتمان حقوقی باید فراتر از مفهوم روان‌شناختی و آموزشی آن دیده شود. بازی به عنوان فعالیت روان‌شناختی، بر ابعاد رشدی، شناختی و آموزشی تمرکز دارد، اما حق بر بازی به عنوان مطالبه حقوقی، بر تکالیف دولت‌ها، ضمانت اجرا و الزام‌آوری تأکید می‌ورزد. بازی، حق بنیادین کودک برای تجربه آزادانه جهان، تعامل اجتماعی و رشد در محیطی امن و خلاق است؛ حقی که در پیوند مستقیم با کرامت انسانی و آزادی بیان کودک قرار دارد.

۴. حق بر بازی: با وجودی که هیچ تعریف پذیرفته شده جهانی از مفهوم حقوق کودک وجود ندارد (۴۲) و مبحث حقوق کودکان به تازگی وارد مباحث حقوقی شده است (۴۳). در بیشتر کشورهای جهان حقوق ویژه‌ای برای کودکان در نظر گرفته شده و در قوانین موضوعه لحاظ شده است، از جمله اصل برائت در جرائم و عدم قابلیت انتساب بزه به کودکان. بر این اساس، اگر کودکی که ممیز است مرتکب جرمی شود باید در دادگاه ویژه اطفال به آن رسیدگی شود، ضمن اینکه کودک محکوم باید با سبک‌ترین مجازات‌ها تنبیه شود و دوره محکومیت خود را در ندامتگاه بگذراند که ابعاد تربیتی و فرهنگی در آنجا بر کیفری ترجیح دارد. در نگاه نوین حقوق بشر، مفهوم «حق بر بازی» به عنوان یکی از حقوق مثبت اجتماعی شناخته می‌شود؛ حقی که دولت‌ها موظف‌اند نه‌تنها از آن حمایت کنند، بلکه شرایط تحقق آن را نیز فراهم آورند (۲۷). به تعبیر کمیته حقوق کودک سازمان ملل بازی یک «حق بنیادین و نه امتیازی» است که تحقق آن مقدمه‌ای برای اجرای سایر حقوق کودک، از جمله آموزش، سلامت و مشارکت محسوب می‌شود (۳۹).

سال‌ها پیش، راینر مارتنز و وارن سیفلد (Rainer Martens & Vern Seefeldt) اولین چارچوب حقوق کودکان در ورزش‌های رقابتی را ایجاد کردند. آن‌ها «منشور حقوق ورزشکاران جوان» را در سال ۱۹۷۹ منتشر کردند که یکی از مهم‌ترین اعلامیه‌های نوشته شده در مورد حقوق کودکان است. از آن زمان، حقوق کودکان تحت عناوین مختلفی در جهان آکادمیک مورد بحث و بررسی قرار گرفته است (۴۵-۴۴). بیشتر تحقیقاتی که در رابطه با حقوق کودکان در محیط‌های ورزشی صورت گرفته است مربوط به مشکلات سلامتی

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-23]

ناشی از تمرینات فشرده، مشکلات جسمانی، بهره‌کشی اقتصادی، تبعیض (۵۷)، آزار عاطفی و جنسی، خشونت (۴۳) و محافظت از کودکان در ورزش (۱۸) بوده است. در مدت بیش از شصت سالی که از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر (مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۱۹۴۸ م.) گذشته است (۴۶)، مقامات ورزشی در بهترین حالت با کندی و در بدترین حالت با مقاومت برای پذیرش حقوق بشر در ورزش عمل کرده‌اند (۴۳). با وجود این، در دهه‌های اخیر، حق بر بازی به تدریج از حوزه ورزش حرفه‌ای فراتر رفته و به عنوان یکی از شاخص‌های عدالت اجتماعی و برابری فرصت‌ها در سیاست‌گذاری‌های ملی شناخته شده است (۸). در کشورهای اروپایی، حق بر بازی در کنار حق آموزش و حق سلامت، به عنوان یکی از حقوق رفاهی کودک در قوانین مصوب درج شده است (۴۷). به عقیده برخی محققان، نیاز کودکان به مکان و زمان مناسب برای بازی غالباً در سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات توسعه‌ای نادیده گرفته می‌شود، امری که می‌تواند هزینه‌های زیادی برای کودکان داشته باشد (۴۹-۴۸). بازی‌نکردن ممکن سیستم‌های تنظیم هیجانات را مختل کند و به نوبه خود باعث کاهش قابلیت و شایستگی جسمانی، اجتماعی و شناختی کودکان شود (۵۰).

اطمینان از اینکه محیط اجتماعی و فیزیکی می‌تواند از ظرفیت کودک برای بازی حمایت کند، نیازمند توجه گسترده‌ای به حقوق اوست. در واقع، حق بر بازی تنها در صورتی محقق می‌شود که سایر حقوق کودک، به ویژه حق بر بقا، رشد و سلامت، تأمین شده باشد. به همین ترتیب، نقض هر یک از این حقوق می‌تواند ظرفیت کودک برای بازی آزاد را تضعیف کند (۱۳، ۴۰). هنگامی که حقوق کودک برای بقا، توسعه و رفاه نقض می‌شود، این امر بر ظرفیت بازی‌کردن تأثیر می‌گذارد؛ به همین میزان، کاهش ظرفیت بازی کودکان بر سلامت، رفاه و رشد آن‌ها تأثیر خواهد گذاشت (۵۱). با این نگرش، آنچه بحث حق بر بازی و تفریح کودکان را مهم‌تر می‌سازد این است که کودکان مهم‌ترین سرمایه انسانی آتی یک کشور محسوب می‌شوند و اگر نتوانند در همان دوران بچگی از حقوق خود برخوردار شوند و نادیده انگاشته شوند، رشد روانی آن‌ها مختل و ممکن است آینده جامعه با مخاطره مواجه شود.

با توجه به اهمیت بازی در رشد و اعتلای همه‌جانبه کودکان، بیراه نیست، اگر رعایت حق بر بازی را نوعی حق توانمندساز و زمینه‌ای برای اعمال سایر حقوق کودک قلمداد کنیم. حق بر بازی در نظام حقوق بین‌الملل بشر، در ردیف حقوق فرهنگی و اجتماعی طبقه‌بندی شده و با حقوقی مانند حق بر آموزش (ماده ۲۸) و حق بر مشارکت فرهنگی (ماده ۲۹) در تعامل است. به بیان دقیق‌تر، بازی نه صرفاً فراغت، بلکه یکی از ارکان رشد انسانی در نظام حقوق کودک به شمار می‌رود (۳۹, ۵۲). همچنان که اصل هفتم اعلامیه جهانی حقوق کودک (Declaration of the Rights of the Child) (۱۹۵۹ م.) تصریح می‌کند: «... کودک باید از آموزشی برخوردار شود که در جهت ارتقای تربیت عمومی وی بوده و چنان سازنده باشد که در شرایطی برابر بتواند استعداد، قضاوت فردی، درک مسئولیت اجتماعی و اخلاقی خود را پرورش دهد و فردی مفید برای جامعه شود. در امر آموزش و راهبری کودک، مصالح او باید راهنمای مسئولان امر باشد... جامعه و مقامات دولتی باید کوشش کنند تا امکان برخورداری کودکان از این حقوق را فراگیر سازند»، بدین‌ترتیب، حق بر بازی در کنار حق بر آموزش و تربیت از حقوق غیر قابل تفکیک کودکان است که اجرای مؤثر آن مستلزم برنامه‌ریزی میان‌بخشی (بین آموزش، شهرسازی، سلامت و رفاه اجتماعی) است. در کشورهای موفق در اجرای

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-23]

کنوانسیون، مانند فنلاند، سوئد و نیوزیلند، راهبردهای ملی بازی با نظام‌های آموزشی و شهری هماهنگ شده است (۵۳).

کنوانسیون حقوق کودک (ماده ۳۱) و سند ملی حقوق کودک و نوجوان (ماده ۷) مجموعه‌ای از مفاهیم را دربر می‌گیرند، از جمله استراحت، فراغت، بازی، تفریح، زندگی فرهنگی و هنر. ویژگی این مفاهیم آن است که از «کار» که یکی از وظایف ضروری زندگی است متمایزند و نوعی مسئولیت تحمیل‌شده به کودکان محسوب نمی‌شوند. در جدول ۱ محورهای مورد بررسی در پژوهش حاضر در کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد با سند ملی کودک و نوجوان تطبیق داده شده است. در تفسیر عمومی شماره ۱۷، کمیته حقوق کودک تصریح کرده است که دولت‌ها باید با تصویب سیاست‌های شهری و آموزشی، فضاهای امن بازی را برای همه کودکان، صرف‌نظر از جنسیت، طبقه اجتماعی یا محل زندگی، فراهم کنند (۳۹). این نکته در ایران نیز در ماده ۷ «سند ملی حقوق کودک و نوجوان» تکرار شده است، اما فقدان ضمانت اجرایی قوی موجب شده است اجرای آن با چالش همراه باشد (۳۰).

جدول ۱: تطبیق محورهای پژوهش با مواد مندرج در کنوانسیون حقوق کودک و سند ملی حقوق کودک و نوجوان

ماده	محوریت	شرح	در سند ملی حقوق کودک و نوجوان
۱	تعریف کودک	افراد انسانی زیر ۱۸ سال، مگر اینکه طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک سن بلوغ کمترتشخیص داده شود.	ماده ۲
۳	منافع کودک	در هر اقدامی باید منافع عالیه کودک در نظر گرفته شود، چنانچه والدین یا سرپرستان کودک در این زمینه کوتاهی کنند، دولت‌ها باید حمایت و مراقبت لازم را از کودکان فراهم آورند.	مستتر در تمامی مواد سند
۴	تحقق حقوق کودک	دولت‌ها باید در اجرای کنوانسیون حقوق کودک بیشترین تلاش خود را به کار ببندند.	مستتر در تمامی مواد سند
۲۸	آموزش و پرورش	برخورداری از آموزش و پرورش حق هر کودک است و دولت‌ها باید امکان آموزش ابتدایی رایگان و اجباری برای همگان را فراهم آورند.	ماده ۸، بندهای ۱ تا ۴
۳۱	بازی، تفریح و ورزش	کودک حق بازی، تفریح و مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی و هنری را دارد.	ماده ۷، بندهای ۱ و ۲ و ۳

این جدول نشان می‌دهد که سند ملی حقوق کودک در ایران از حیث ساختار تا حدودی با کنوانسیون منطبق است، اما از نظر ضمانت اجرا و الزام قانونی، تفاوت‌های معناداری میان دو نظام وجود دارد. برای درک عمیق‌تر این تفاوت‌ها، لازم است تعهدات دولت‌ها در دو دسته تعهدات سلبی و تعهدات مثبت تحلیل شوند.

۴-۱. تعهدات سلبی (منفی): کنوانسیون حقوق کودک با صراحت بیشتری تعهدات سلبی دولت‌ها را بیان

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-23]

می‌کند؛ به این معنا که دولت‌ها موظف‌اند از هر اقدامی که مانع تحقق حق بر بازی کودکان شود، خودداری ورزند. این تعهدات شامل ممنوعیت محدودسازی بی‌دلیل فضاهای بازی، جلوگیری از مداخله‌های غیر ضروری در اوقات فراغت کودکان و پرهیز از سیاست‌هایی است که اولویت‌دهی صرف به آموزش رسمی، حق بر بازی را تحت‌الشعاع قرار دهد. در مقابل، سند ملی حقوق کودک و نوجوان ایران در این زمینه صراحت کمتری دارد و بیشتر بر جنبه‌های توصیه‌ای و ارشادی تأکید می‌کند تا ممنوعیت‌های الزام‌آور.

۴-۲. تعهدات مثبت (ایجابی): کنوانسیون در ماده ۳۱، دولت‌های عضو را موظف می‌سازد نه‌تنها حق بر بازی را به رسمیت بشناسند، بلکه برای «تأمین شرایط مناسب»، «فراهم‌سازی فرصت‌های برابر» و «تشویق فراهم‌آوری محیط‌های امن و مناسب» برای بازی اقدام کنند. این تعهدات مثبت شامل تخصیص بودجه، طراحی شهری دوستدار کودک، ایجاد فضاهای عمومی بازی و نظارت بر کیفیت خدمات تفریحی است. سند ملی حقوق کودک و نوجوان ایران، اگرچه در ماده ۷ به حق بازی، تفریح و مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی و هنری اشاره کرده است، اما فاقد سازوکارهای اجرایی مشخص برای تحقق این تعهدات مثبت است. به عبارت دیگر، سند ملی بیشتر بر «به رسمیت‌شناسی» حق تأکید دارد تا «تضمین اجرای عملی» آن.

۵. حق بر بازی کودکان در نظام حقوقی ایران: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان بالاترین سند قانونی کشور، در اصل سوم خود، «آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی» را، از جمله امور لازم در راستای تحقق اهداف مقرر در اصل دوم این قانون برشمرده است. مشخص است که بخش عمده‌ای از آنچه اهداف تربیت بدنی خوانده می‌شود از راه بازی تحقق می‌یابد. اساساً المپیک به عنوان بالاترین سطح مسابقات ورزشی جهان، به پیشوند «بازی‌ها (Games)» شناخته می‌شود. مصوبه «سند ملی حقوق کودک و نوجوان» که در جلسه ۸۰۶ مورخ ۱۳۹۷/۰۱/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید، مبنای تبیین جایگاه کودکان و نوجوانان در جمهوری اسلامی ایران معرفی شده است. طبق بند «ب» ماده ۱۳ این سند، کلیه دستگاه‌های مرتبط با امور کودکان باید در تصمیمات و برنامه‌ریزی‌های خود، مفاد این سند را رعایت کنند. از منظر ساختاری، این سند جایگاه بالادستی دارد، اما ماهیت اجرایی آن بیشتر ارشادی است تا الزام‌آور، زیرا فاقد ضمانت اجرایی مشخص برای دستگاه‌های اجرایی است (۳۰). این سند بالاترین مرجع هماهنگ‌کننده در زمینه حمایت از حقوق کودکان محسوب می‌شود، هرچند این به معنای آن نیست که توانسته خلأهای موجود را رفع و مؤثر عمل نماید. بسیاری از حقوق‌دانان معتقدند که پراکندگی نهادی در اجرای سیاست‌های کودک‌محور، از جمله در حوزه بازی، مانع تحقق اهداف سند ملی شده است (۲۷، ۵۴). افزون بر این، لازم است انسجام سیاست‌ها و هم‌سویی برنامه‌های خرد و کلان با اصول کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک مورد توجه قرار گیرد.

از نظر این سند، منظور از کودک هر انسانی است که به سن بلوغ نرسیده باشد و منظور از نوجوان فرد بالغی است که بر اساس قانون به رشد عقلی متناسب با حق و تکلیف ویژه خود نرسیده است. این تعریف شامل افراد بالغ محجور نمی‌شود. از سوی دیگر، طبق ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک، منظور از کودک شخص زیر ۱۸ سال است مگر این‌که قانون داخلی سن دیگری را ملاک دانسته باشد. با وجودی که کودکی مفهومی نسبی است و تعریف دقیقی از آن وجود ندارد و تعاریف مختلفی از آن در

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-23]

جوامع مختلف و در زمان‌های مختلف وجود دارد و در نتیجه مخاطبان حقوق کودک یکسان نیستند و تا حد زیادی به شرایط اجتماعی فرهنگی هر جامعه بستگی دارد، ولی تعیین تکلیف نسبت قوانین داخلی با کنوانسیون حقوق کودک در مورد سن کودکی امری ضروری است که در کلیات سند ملی حقوق کودک به آن اشاره شده است. بنابراین پیش از هر چیز لازم است تعریفی شفاف، دقیق و جامع برای «کودک» و «کودکی» ارائه شود که بر سر آن توافق و اجماع وجود داشته باشد.

در مقدمه این سند بر بایستگی پشتیبانی و یاری دولت در «تربیت نیکوی کودکان و رشد و تکامل مادی و معنوی ایشان» تأکید می‌ورزد و در برخی مواد خود، به شکل غیرمستقیم به مسائل مرتبط با مهارت‌های زندگی که پژوهش‌ها نشان می‌دهند از راه بازی، قابل تحقق است اشاره دارد. برای نمونه، ماده ۶ این سند به حق سلامت کودک و نوجوان تأکید دارد و ماده ۸ آن به «حقوق فرهنگی، آموزشی و تربیتی» کودک و نوجوان اختصاص دارد.

در بند اول ماده ۷ سند که به حق تفریح، بازی و ورزش اختصاص دارد آمده است: «کودک و نوجوان حق دارد متناسب با سن و جنس خود از تفریح، بازی و ورزش که زمینه رشد جسمی، روانی، اجتماعی، اخلاقی و معنوی او را فراهم آورده و متناسب با فرهنگ ملی و اسلامی باشد برخوردار شود.» در بند دو، این‌گونه بر حق کودک بر استفاده از اسباب‌بازی‌های متناسب تأکید شده است: «کودک و نوجوان حق دارد از اسباب‌بازی‌های استاندارد مطابق با نیازمندی‌های خود و توانمندی سرپرست قانونی خویش بهره‌مند شود.» در بند سوم سند ملی حقوق کودک و نوجوان بر حق کودک و نوجوان برای دسترسی به امکانات و فضاهای بازی، ورزش و تفریح امن و استاندارد تأکید شده و دولت را موظف ساخته است که زمینه‌ها و بسترهای مناسب را به ویژه برای اوقات فراغت کودکان فراهم آورد. با وجود این، اجرای عملی این تعهدات در ایران با چالش‌هایی چون نبود بودجه مشخص، کمبود فضاهای عمومی امن و نبود نظام نظارتی واحد مواجه است (۵۵). پژوهش‌های داخلی نیز نشان داده‌اند که در بسیاری از شهرها، استانداردسازی فضاهای بازی کودک صرفاً در حد مصوبه‌های شورای شهر باقی مانده و اجرا نمی‌شود (۵۶).

این بند، هم‌سو با ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد است که بر حق کودکان بر بازی تأکید دارد و از کشورهای عضو می‌خواهد حق بازی کودکان را به رسمیت بشناسند، به آن احترام بگذارند و نسبت به فراهم‌کردن فرصت‌های مناسب و برابر برای فعالیت‌های فرهنگی، هنری، تفریحی و فراغتی بکوشند. با این حال، تفاوت اساسی در سطح تعهد دولت‌ها مشهود است. در کنوانسیون، دولت‌ها موظف‌اند با «اقدامات مثبت» شرایط تحقق حق بر بازی را فراهم کنند، اما در سند ملی ایران این الزام بیشتر به صورت «توصیه» بیان شده است. به همین دلیل، لازم است در بازنگری‌های آتی سند ملی، ضمانت اجرایی مشخص و قابل پیگیری برای حق بر بازی پیش‌بینی شود (۲۷، ۵۵).

۵-۱. راهکارهای حقوقی تبدیل تعهدات ارشادی سند ملی به الزام‌آور: برای غلبه بر ماهیت ارشادی سند ملی حقوق کودک و نوجوان و تبدیل تعهدات مندرج در آن به تعهدات الزام‌آور، راهکارهای حقوقی مشخصی قابل پیشنهاد است:

۵-۱-۱. الحاق سند ملی به قانون عادی: یکی از مؤثرترین راهکارها، تصویب قانونی مستقل با عنوان «قانون حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان» در مجلس شورای اسلامی است که مفاد سند ملی حقوق کودک و نوجوان را به عنوان پیوست یا متن اصلی خود اتخاذ کند. این کار

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-23]

باعث می‌شود تعهدات مندرج در سند ملی از حالت مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی (که فاقد ضمانت اجرایی کیفری یا مدنی است) خارج شده و به قانون عادی تبدیل شوند که نقض آن قابل پیگرد قضایی است.

۵-۱-۲. پیش‌بینی ضمانت اجرای اداری و مالی: در صورت عدم امکان تصویب قانون مستقل، می‌توان با اصلاح ماده ۱۳ سند ملی، ضمانت اجرای اداری و مالی برای دستگاه‌های متخلف پیش‌بینی کرد. برای مثال، می‌توان مقرر داشت که عدم رعایت مفاد سند در برنامه‌ریزی‌های دستگاه‌های اجرایی، موجب کسر امتیاز در ارزیابی عملکرد سالانه آن دستگاه شده یا مسئولان مربوطه را در معرض بازخواست دیوان محاسبات یا سازمان بازرسی کل کشور قرار دهد.

۵-۱-۳. ایجاد مرجع نظارتی مستقل: تأسیس «کمیته ملی نظارت بر حقوق کودک» با استقلال سازمانی و بودجه مشخص که وظیفه پایش اجرای مفاد سند ملی و دریافت شکایات مرتبط با نقض حقوق کودکان، (از جمله حق بر بازی) را بر عهده داشته باشد. این کمیته می‌تواند گزارش‌های دوره‌ای به مجلس و قوه قضائیه ارائه دهد و در موارد نقض سیستماتیک، درخواست رسیدگی قضایی کند.

۵-۱-۴. الزام به تخصیص بودجه مشخص: در قوانین بودجه سنواتی کشور، می‌توان ردیف بودجه‌ای مشخصی با عنوان «تحقق حقوق کودکان» پیش‌بینی کرد که درصدی از آن صرفاً به اجرای مفاد سند ملی حقوق کودک و نوجوان، از جمله ایجاد و نگهداری فضاهای بازی، اختصاص یابد. این کار باعث می‌شود تعهدات مالی دولت در قبال حق بر بازی از حالت اختیاری به الزامی تبدیل شود.

۵-۱-۵. پیش‌بینی حق دادخواهی برای کودکان و نمایندگان آن‌ها: با اصلاح قانون آیین دادرسی مدنی یا تصویب قانون حمایت از کودکان، می‌توان به کودکان، والدین، یا نهادهای مدنی فعال در این حوزه این حق را داد که در صورت نقض حقوق مندرج در سند ملی، (از جمله حق بر بازی) از دستگاه‌های مسئول در مراجع قضایی یا دیوان عدالت اداری شکایت کنند. این سازوکار، سند ملی را به سندی قابل مطالبه در محاکم تبدیل می‌کند.

۵-۱-۶. هماهنگ‌سازی قوانین پراکنده: بسیاری از قوانین مرتبط با کودکان، (از جمله قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل و قوانین شهرداری‌ها) پراکنده و فاقد انسجام هستند. تدوین «کودک‌یار» یا مجموعه‌ای منسجم از قوانین مرتبط با کودکان که حق بر بازی را به صورت صریح و الزام‌آور به رسمیت بشناسد، می‌تواند خلأهای موجود را پر کند.

۵-۱-۷. استفاده از سازوکارهای نظارتی بین‌المللی: ایران با پذیرش گزارش‌دهی دوره‌ای به کمیته حقوق کودک سازمان ملل، می‌تواند از این سازوکار برای فشار مثبت جهت اجرای تعهدات داخلی استفاده کند. تعهدات بین‌المللی می‌توانند به عنوان اهرمی برای الزام دولت به اجرای مفاد سند ملی عمل کنند.

در مجموع، برای تبدیل ماهیت ارشادی سند ملی به الزام‌آور، نیاز به ترکیبی از راهکارهای تقنینی (تصویب قانون)، اجرایی (تخصیص بودجه و ایجاد نهاد نظارتی) و قضایی (پیش‌بینی حق دادخواهی) وجود دارد. بدون این اصلاحات، حق بر بازی در ایران همچنان در حد یک توصیه اخلاقی باقی خواهد ماند و از ضمانت اجرا و قابلیت مطالبه برخوردار نخواهد بود.

۶. حق بر بازی کودکان در کنوانسیون حقوق کودک:

در لزوم رعایت حقوق کودک در منظومه نظام بین‌المللی حقوق بشر، تردیدی نیست. تدوین اسناد و تعهدات

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-23]

متعدد در صحنه بین‌المللی در این زمینه مبین توجه رو به رشد جامعه بین‌المللی به لزوم رعایت حقوق کودک است. با توجه به اینکه کنوانسیون حقوق کودک ماهیت جهانی دارد، لازم است قانون‌گذاری با تمرکز بر حساسیت‌های فرهنگی کشورها بر بازی کودکان صورت گیرد. در این راستا، آژانس اتحادیه اروپا برای حقوق اساسی (Fundamental Rights Agency) پیشنهاد کرد که نظامی از شاخص‌ها در رابطه با حمایت، احترام و ارتقای حقوق کودکان در اتحادیه اروپا تدوین شود. به موازات آن، انجمن بین‌المللی شاخص‌های کودکی (International Society for Child Indicators) کارگروهی را با همکاری یونیسف راه‌اندازی کرد که هدف آن، تشویق جمع‌آوری داده‌های مربوط به کودکان ۸، ۱۰ و ۱۲ ساله بود. این پروژه که «بررسی بین‌المللی رفاه کودکان» نام دارد، به دنبال جمع‌آوری داده‌های معتبر و قابل‌اتکا در مورد زندگی کودکان و فعالیت‌های روزمره آن‌ها بر اساس زمانی که برایش اختصاص می‌دهند و درک آن‌ها از رفاه خویش است. این روند نشان می‌دهد که در دهه‌های اخیر، جامعه بین‌المللی به سمت شاخص‌سازی و کمی‌سازی حقوق کودک ـ از جمله حق بر بازی ـ حرکت کرده است. با این حال، هنوز هم تفسیر مفهوم «مصلحت عالیه کودک» در ارتباط با بازی و فراغت محل اختلاف نظر میان کشورهاست (۲۷).

کنوانسیون حقوق کودکان که در سال ۱۹۸۹ توسط مجمع عمومی سازمان ملل تصویب شد، سندی الزام‌آور شامل ۵۴ ماده است که حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کودکان را تشریح می‌کند. این کنوانسیون بر اساس چهار اصل کلی بنیادین هدایت می‌شود: ۱ـ عدم تبعیض؛ ۲ـ منافع کودک؛ ۳ـ حق حیات، بقا؛ ۴ـ رشد؛ ۵ـ مشارکت. کشورهای طرف کنوانسیون متعهد شده‌اند که حمایت‌ها و مراقبت‌های لازمه را برای رفاه کودکان، با توجه به حقوق و وظایف والدین، قیم‌های قانونی و یا سایر افرادی که قانوناً مسئول آنان هستند، تضمین کنند و در این راستا اقدامات اجرایی و قانونی مناسب را معمول بدارند. با وجودی که به طور خاص از ورزش در کنوانسیون حقوق کودک نامی برده نشده، حقوق مندرج در این کنوانسیون برای همه محیط‌ها، از جمله ورزش قابل به کارگیری است (۵۷).

ماده ۳۱ کنوانسیون مقرر می‌دارد: «کشورهای طرف کنوانسیون حق کودک را برای تفریح و آرامش و بازی و فعالیت‌های خلاق مناسب سن خود و شرکت آزادانه در حیات فرهنگی و هنرها را به رسمیت می‌شناسند.» تفسیر رسمی این ماده در «نظر تفسیری شماره ۱۷ کمیته حقوق کودک» بیان می‌کند که بازی، فراغت و مشارکت فرهنگی سه مؤلفه به هم پیوسته از حق رشد کودک‌اند و دولت‌ها موظف‌اند نه‌تنها از محدودیت آن جلوگیری کنند، بلکه زمینه تحقق فعالانه آن را نیز فراهم آورند. در این تفسیر، بازی به عنوان «یک ضرورت رشد انسانی و نه فعالیت تجملی» معرفی شده است (۴۱).

کمیته حقوق کودک (CRC: Committee on the Rights of the Child) در سال ۱۹۹۱ با هدف نظارت بر اجرای مفاد کنوانسیون تشکیل شد. این کمیته که از کارشناسان مستقل تشکیل شده، بر عملکرد کشورهای عضو نظارت می‌کند و از آنان می‌خواهد گزارش‌های ادواری در خصوص اجرای حقوق کودک ارائه دهند. مطابق با ماده ۴ کنوانسیون، دولت‌ها موظف‌اند از تمامی منابع موجود برای تحقق کامل حقوق کودک استفاده کنند. این اصل در خصوص حق بر بازی نیز صادق است و به معنی تعهد مثبت دولت‌ها برای ایجاد زیرساخت‌های فرهنگی، شهری و آموزشی در جهت تحقق آن است (۲۷).

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-23]

ماده ۳۱ کنوانسیون سه تعهد اصلی را بر دوش دولت‌ها قرار می‌دهد که سطوح متفاوتی از مسئولیت دولت‌ها را در قبال حق بر بازی نشان می‌دهد:

۱ـ به رسمیت‌شناختن (Recognition): این امر مستلزم پذیرش بازی به عنوان حق مستقل و غیر قابل جایگزین است، نه وسیله‌ای برای آموزش یا ابزار سیاستی.

۲ـ احترام (Respect): احترام به این حق یعنی دولت‌ها و نهادها نباید به هیچ طریقی مانع استفاده کودکان از فرصت‌های بازی شوند (۴۸). این امر شامل طراحی محیط‌های شهری و آموزشی است؛ یعنی باید فضاهای عمومی و شهری به گونه‌ای طراحی شوند که امکان بازی آزاد و ایمن برای کودکان فراهم باشد (۵۸).

۳ـ ترویج و تحقق (Fulfil and Promote): به معنای اقدام فعال دولت‌ها برای ایجاد شرایط تحقق این حق است. این تعهد شامل توسعه زیرساخت‌ها، آموزش مربیان، حمایت مالی از فضاهای بازی و ایجاد سیاست‌های شهری کودک‌محور می‌شود.

در بسیاری از کشورها (مانند نروژ، نیوزیلند و کره جنوبی) راهبردهای ملی بازی به عنوان بخشی از سیاست‌های رفاه اجتماعی تدوین شده‌اند (۵۵). در مقابل، در کشورهای در حال توسعه، نبود سیاست‌های مشخص برای بازی، مانع تحقق عملی آن شده است (۵۲).

در نهایت، کنوانسیون حقوق کودک با تأکید بر این سه‌گانه، بازی را نه صرفاً به عنوان فعالیتی تفریحی، بلکه به عنوان یک حق اساسی در مسیر رشد انسانی معرفی می‌کند. می‌توان گفت که در نظام بین‌المللی حقوق بشر، حق بر بازی در نقطه تلاقی سه ارزش بنیادین قرار دارد: عدالت اجتماعی، برابری فرصت و کرامت انسانی. نادیده‌گرفتن این حق به معنای محروم‌کردن کودک از تجربه انسان‌بودن است (۸).

۷. بررسی تطبیقی حق بر بازی در نظام حقوقی ایران و کنوانسیون حقوق کودک: حق بر بازی، به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی رشد انسانی، در نظام‌های حقوقی مختلف جایگاه متفاوتی دارد. بررسی تطبیقی میان حقوق ایران و کنوانسیون حقوق کودک نشان می‌دهد که هر دو نظام بر ضرورت حمایت از رشد همه‌جانبه کودکان تأکید دارند، اما در سطح مفهومی، ساختاری و اجرایی با تفاوت‌هایی رو به رو هستند که در تحقق عملی این حق تأثیرگذار است. از نظر مبانی مفهومی، کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹ م.) بازی را به عنوان حقی مستقل، ذاتی و غیر قابل جایگزین در رشد فردی، اجتماعی و فرهنگی کودک شناسایی کرده است. ماده ۳۱ این کنوانسیون تصریح می‌کند که دولت‌ها موظف‌اند «حق کودک برای تفریح، استراحت و بازی و مشارکت در زندگی فرهنگی و هنری» را به رسمیت شناخته و برای تحقق آن اقدام کنند. کمیته حقوق کودک در «نظر تفسیری شماره ۱۷» (۲۰۱۳ م.) تأکید می‌کند که بازی نه امری تفننی، بلکه یکی از ارکان حقوق فرهنگی کودک است و دولت‌ها باید با اقدامات مثبت (Positive Measures) زمینه تحقق آن را فراهم کنند (۴۱).

در مقابل، در نظام حقوقی ایران، بازی به صورت مستقیم به عنوان «حق مستقل» در قوانین موضوعه نیامده است و تنها در قالب حقوق فرهنگی و آموزشی کودک و نوجوان، به ویژه در ماده ۷ سند ملی حقوق کودک و نوجوان (۱۳۹۷ ش.) مورد اشاره قرار گرفته است. این ماده، دولت را موظف می‌داند تا فضاهای امن و استاندارد برای بازی و تفریح کودکان را فراهم کند. با این حال، در ادبیات حقوقی ایران، بازی هنوز بیشتر به عنوان ابزار تربیتی و آموزشی شناخته می‌شود تا حق فرهنگی مستقل؛ این امر نشان‌دهنده شکاف مفهومی میان دو نظام حقوقی است

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-23]

(۲۷). از نظر ساختار حقوقی و ضمانت اجرا، تفاوت بنیادین میان دو نظام در میزان الزام‌آوری مقررات دیده می‌شود. در کنوانسیون، دولت‌ها مکلف به اتخاذ تدابیر قانونی، مالی و اجرایی برای تضمین حق بر بازی هستند (ماده ۴ کنوانسیون). این تعهد در سه سطح تعریف شده است: به رسمیت شناختن، احترام و تحقق (۵۸). بر این اساس، کشورهای عضو باید نه‌تنها مانع تحقق این حق نشوند، بلکه با تدوین سیاست‌های ملی، ایجاد زیرساخت‌ها و تخصیص منابع مالی، زمینه تحقق آن را فراهم آورند (۵۵). در مقابل، سند ملی حقوق کودک و نوجوان در ایران، اگرچه از نظر محتوایی تا حدودی با کنوانسیون هم‌سو است، اما فاقد ضمانت اجرایی مشخص است و از واژگانی چون «دولت موظف است زمینه‌ها را فراهم کند» استفاده می‌کند، بدون آن‌که سازوکار الزام‌آور یا شاخص‌های نظارتی تعریف کند. در نتیجه، حق بر بازی در ایران هنوز از سطح «حق برنامه‌ای» فراتر نرفته و در عمل بیشتر تابع سیاست‌های فرهنگی یا شهری غیر الزامی است (۵۴، ۵۶) (جدول ۲).

جدول ۲: تحلیل تطبیقی: حق بر بازی کودکان در حقوق ایران و حقوق بین‌الملل

محور مقایسه	حقوق ایران	حقوق بین‌الملل (کنوانسیون حقوق کودک)	تحلیل تطبیقی
مبنای قانونی	سند ملی حقوق کودک (۱۳۹۷ ش.) ـ غیر الزام‌آور	ماده ۳۱ کنوانسیون ـ الزام‌آور	کنوانسیون دارای ضمانت بین‌المللی است؛ سند ملی فاقد آن است.
تعریف کودک	زیر سن بلوغ شرعی (۹ و ۱۵ سال)	زیر ۱۸ سال کامل	تفاوت مبنای فقهی و عرفی دامنه شمول را محدود می‌کند.
ضمانت اجرا	فرهنگی و توصیه‌ای	حقوقی و تعهدآور (تعهدات سه‌گانه)	ضعف ضمانت اجرا در نظام داخلی
نهاد ناظر	کمیته ملی حقوق کودک (وابسته به وزارت دادگستری)	کمیته حقوق کودک سازمان ملل (مستقل)	استقلال و قدرت نظارتی در سطح بین‌المللی بیشتر است.
سیاست‌گذاری اجرایی	محدود به برنامه‌های فرهنگی	نهادینه‌شده در آموزش، شهرسازی و سلامت	در ایران، سیاست‌های اجرایی فاقد پشتوانه حقوقی‌اند.

از نظر دامنه شمول و تعریف کودک، اختلاف قابل توجهی میان دو نظام دیده می‌شود. در کنوانسیون، کودک به طور کلی به هر انسان زیر ۱۸ سال اطلاق می‌شود، مگر آنکه قانون داخلی سن پایین‌تری را مقرر کند (ماده ۱)، اما در نظام حقوقی ایران، بر اساس فقه اسلامی، سن بلوغ شرعی معیار خروج از کودکی است (۹ سال برای دختران و ۱۵ سال برای پسران). این تفاوت موجب شده بخش قابل‌توجهی از کودکان، به ویژه دختران نوجوان، در ایران

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-23]

از حمایت‌های مقرر در کنوانسیون در حوزه بازی، آموزش و فراغت محروم شوند (۸). در عمل، این مسأله موجب می‌شود «حق بر بازی» در ایران بیشتر به دوران پیش‌دبستانی و دبستان محدود شود، در حالی که کنوانسیون، بازی را حق مستمر برای تمامی دوران کودکی تا ۱۸ سالگی می‌داند.

از نظر نهادهای متولی و اجرا، کنوانسیون حقوق کودک با تشکیل «کمیته حقوق کودک» در ژنو، نظامی نظارتی برای ارزیابی اجرای حقوق کودک در کشورهای عضو ایجاد کرده است. این کمیته از دولت‌ها گزارش‌های ادواری دریافت می‌کند و در صورت نیاز، توصیه‌ها و هشدارهایی ارائه می‌دهد (۲۱). در ایران، چنین نظام نظارتی مشخصی وجود ندارد و اجرای سند ملی به چند نهاد پراکنده (وزارت آموزش و پرورش، سازمان بهزیستی، وزارت ورزش و جوانان و شوراهای محلی) سپرده شده است. نبود نهاد مرکزی با اختیار الزام‌آور برای پیگیری حقوق کودک از مهم‌ترین چالش‌های اجرای مؤثر این سند است (۵۹).

در بُعد فرهنگی و سیاست‌گذاری، کنوانسیون بر اصل مشارکت کودک تأکید دارد و بازی را عرصه‌ای برای تمرین شهروندی، یادگیری دموکراسی و احترام به تفاوت‌ها می‌داند. در مقابل، سیاست‌های داخلی ایران اغلب رویکردی محافظه‌کارانه‌تر دارند و بازی را در چارچوب‌های فرهنگی و اخلاقی محدود می‌کنند، هرچند این امر در راستای حفظ ارزش‌های فرهنگی قابل توجیه است، اما ممکن است منجر به کاهش فرصت‌های بازی آزاد و خلاقانه شود (۴۱).

در جمع‌بندی، می‌توان گفت که: هر دو نظام، اصل ضرورت بازی را برای رشد کودک می‌پذیرند. در سطح مفهومی، کنوانسیون آن را حق مستقل و فرهنگی می‌داند، اما در ایران بیشتر به عنوان وسیله‌ای تربیتی مطرح است.

در سطح اجرایی، کنوانسیون سازوکار الزام‌آور دارد، اما سند ملی ایران فاقد ضمانت اجراست.

در تعریف کودک، ایران سن پایین‌تری نسبت به معیار جهانی دارد که موجب محدودشدن شمول حمایتی می‌شود.

در سیاست‌گذاری، کنوانسیون بر آزادی و مشارکت تأکید دارد، در حالی که در ایران تأکید بر هدایت و کنترل فرهنگی بیشتر است.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که برای نزدیک‌شدن به استانداردهای جهانی، نیاز به اصلاح مفهومی و تقنینی در تعریف کودک، ارتقای ضمانت اجرایی سند ملی و ایجاد نهاد نظارتی مستقل وجود دارد تا حق بر بازی در ایران از سطح توصیه به سطح تعهد الزام‌آور برسد (۶۰).

روش

روش این پژوهش، مطالعه منابع کتابخانه‌ای و ارزیابی اسناد آماری و نیز استناد به بررسی‌های میدانی داده‌های تحقیق است.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که حق بر بازی، در چارچوب کنوانسیون حقوق کودک و به ویژه ماده ۳۱ آن، صرفاً به عنوان یکی از نیازهای تفریحی کودکان مطرح نیست، بلکه حقی بنیادین در ارتباط با رشد همه‌جانبه، سلامت جسمی و روانی، پرورش خلاقیت، تعاملات اجتماعی و مشارکت فرهنگی آنان به شمار می‌رود. بر اساس این ماده، دولت‌های عضو موظف‌اند حق کودک به استراحت، اوقات فراغت، بازی و فعالیت‌های تفریحی متناسب با سن و نیز مشارکت آزادانه در زندگی فرهنگی و

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-23]

هنری را به رسمیت بشناسند و زمینه بهره‌مندی مؤثر از آن را فراهم کنند. تحقق این حق مستلزم مجموعه‌ای از تعهدات حقوقی است که می‌توان آن‌ها را در سه سطح تعهدات منفی، حمایتی و ایجابی تحلیل کرد. تعهدات منفی بر ضرورت خودداری دولت از مداخلات غیر ضروری و محدودیت‌های ناموجه در بهره‌مندی کودکان از حق بر بازی دلالت دارند؛ تعهدات حمایتی، دولت را ملزم می‌کنند تا از کودکان در برابر مداخلات اشخاص ثالث، تبعیض، بهره‌کشی و محدودیت‌های ناروا حمایت کند و تعهدات ایجابی نیز مستلزم اتخاذ سیاست‌ها، تدوین مقررات، تخصیص منابع و ایجاد امکانات مناسب برای دسترسی ایمن، برابر و فراگیر کودکان به فرصت‌های بازی است. از این منظر، شناسایی رسمی این حق به تنهایی کافی نیست، بلکه دولت‌ها باید با اتخاذ تدابیر قانونی، اجرایی و نظارتی، شرایط تحقق عملی آن را نیز فراهم آورند.

در مقابل، بررسی نظام حقوقی ایران نشان می‌دهد که اگرچه سند ملی حقوق کودک و نوجوان مصوب سال ۱۳۹۷ به موضوع بازی و اوقات فراغت کودکان توجه کرده است، جایگاه این حق از حیث شناسایی قانونی، سازوکارهای اجرایی و امکان مطالبه‌گری همچنان با چالش‌هایی رو به رو است. یکی از مهم‌ترین مسائل، فقدان ضمانت اجراهای روشن و مؤثر برای موارد نقض این حق است، به گونه‌ای که در صورت محرومیت کودکان از فرصت‌های مناسب بازی یا عدم تأمین امکانات ضروری، مسیر مشخص و کارآمدی برای پیگیری مسئولیت نهادهای ذی‌ربط و جبران آثار نقض حق وجود ندارد یا دست کم به اندازه کافی توسعه نیافته است. افزون بر این، محدودبودن تعریف‌ها و برداشت‌های حقوقی از مفهوم کودک در برخی مقررات و سیاست‌گذاری‌ها، در کنار پراکندگی مسئولیت‌ها میان نهادهای مختلف و ضعف سازوکارهای نظارت و ارزیابی، می‌تواند به ناهماهنگی در اجرای سیاست‌های مرتبط با این حق منجر شود. در چنین شرایطی، حق بر بازی بیش از آنکه به‌مثابه حقی مستقل و قابل مطالبه مورد توجه قرار گیرد، ممکن است در حاشیه سیاست‌های عمومی مرتبط با آموزش، سلامت، فرهنگ و اوقات فراغت قرار گیرد.

یافته‌های تطبیقی همچنین حاکی از آن است که یکی از عوامل مؤثر در تضعیف جایگاه حق بر بازی در ایران، وجود فاصله میان اهداف و سیاست‌های فرهنگی از یک سو و الزامات حقوقی ناشی از شناسایی این حق از سوی دیگر است. در واقع، ممکن است در اسناد سیاستی بر اهمیت بازی، نشاط، خلاقیت و رشد کودکان تأکید شود، اما این تأکیدها زمانی به حمایت حقوقی مؤثر تبدیل می‌شوند که با قواعد الزام‌آور، تقسیم مسئولیت روشن، تخصیص منابع کافی و سازوکارهای نظارتی پاسخگو همراه باشند. بنابراین مسأله اصلی صرفاً فقدان اشاره به حق بر بازی در اسناد داخلی نیست، بلکه ضعف در تبدیل این شناسایی به تعهدات مشخص و قابل ارزیابی برای نهادهای مسئول است. این شکاف می‌تواند موجب شود که اجرای حق بر بازی به اولویت‌های اجرایی، امکانات محلی یا برداشت‌های فرهنگی و مدیریتی وابسته بماند و در نتیجه، دسترسی کودکان به فرصت‌های بازی از حیث کیفیت، ایمنی و برابری با تفاوت‌هایی مواجه شود.

بر این اساس، نتایج پژوهش بر ضرورت بازنگری در رویکرد حقوقی ایران نسبت به حق بر بازی تأکید دارد. این بازنگری باید از طریق تقویت جایگاه قانونی این حق، تعیین دقیق مسئولیت نهادهای ذی‌ربط، پیش‌بینی ضمانت اجراهای متناسب، توسعه سازوکارهای نظارت و پاسخگویی و تضمین دسترسی برابر همه کودکان به فضاها و امکانات مناسب بازی دنبال شود. همچنین لازم است در سیاست‌گذاری‌های عمومی، نیازها و شرایط گروه‌های مختلف کودکان، از جمله کودکان دارای معلولیت، کودکان

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-23]

ساکن مناطق محروم و کودکان برخوردار از فرصت‌های محدود اجتماعی و اقتصادی، مورد توجه قرار گیرد. در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که تحقق مؤثر حق بر بازی مستلزم عبور از رویکردی صرفاً حمایتی و فرهنگی و حرکت به سوی رویکردی حق‌محور است؛ رویکردی که در آن بازی نه امتیازی وابسته به امکانات و ملاحظات اجرایی، بلکه حقی بنیادین برای هر کودک تلقی شود و دولت در قبال احترام، حمایت و فراهم‌سازی شرایط بهره‌مندی از آن مسئولیت مشخص و قابل ارزیابی داشته باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

کودکان به دلیل وابستگی و محدودیت در دسترسی به سازوکارهای قانونی، نمی‌توانند به تنهایی از حقوق خود دفاع کنند. از این رو، وجود قواعد مستقل برای حمایت از آن‌ها ضرورتی انکارناپذیر دارد. در میان این حقوق، حق بر بازی از مهم‌ترین، اما کم‌تر شناخته‌شده‌ترین مصادیق حقوق کودک است. بازی نه‌تنها وسیله‌ای برای سرگرمی، بلکه رکن بنیادین رشد شناختی، اجتماعی و عاطفی کودک و زمینه‌ای برای تحقق سایر حقوق، از جمله حق بر آموزش و سلامت است.

در سطح بین‌المللی، کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد (۱۹۸۹ م.) با ارائه چهار اصل بنیادین ـ عدم تبعیض، منافع عالیه کودک، حق بقا و رشد و مشارکت فعال کودک ـ بازی را ابزاری برای تحقق این اصول معرفی می‌کند. با این حال، مطالعات نشان می‌دهد که حتی در کشورهای پیشرفته، هنوز میان مفاد کنوانسیون و رویه‌های اجرایی در محیط‌های آموزشی و ورزشی شکاف قابل توجهی وجود دارد (۶۱).

در ایران نیز سند ملی حقوق کودک و نوجوان گامی مهم در جهت بومی‌سازی این مفاهیم به شمار می‌رود، اما بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که گرچه از نظر شکلی مشابه کنوانسیون است از لحاظ ضمانت اجرا، نظام نظارت و راهبردهای سیاستی فاصله زیادی دارد. بازی هنوز به عنوان «حق مستقل» شناخته نمی‌شود و بیشتر در قالب ابزار تربیتی یا فرهنگی تفسیر می‌گردد.

از منظر اجرایی، نبود شاخص‌های ملی برای سنجش میزان تحقق حق بر بازی، فقدان هماهنگی بین نهادهای متولی و نبود بودجه مشخص در سطح سیاست‌گذاری کلان از چالش‌های جدی در نظام حقوقی ایران است. در حالی که بسیاری کشورها چارچوب‌هایی همچون شهرهای دوستدار کودک یا راهبرد ملی بازی را با مشارکت دولت، شهرداری‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد اجرا کرده‌اند، در ایران سیاست‌های موجود بیشتر واکنشی و مقطعی هستند.

از دیدگاه حقوقی، باید میان «شناسایی حق» و «تحقق حق» تمایز قائل شد. در ایران، حق بر بازی در اسناد مختلف شناخته شده است، اما هنوز به سطح تعهد الزام‌آور قانونی و قابل مطالبه در مراجع رسمی ارتقا نیافته است. در نتیجه، بدون سازوکارهای پاسخگویی، این حق در سطح اعلامی باقی می‌ماند.

پیشنهادات: تدوین راهبرد ملی بازی کودکان با مشارکت وزارت آموزش و پرورش، وزارت ورزش و جوانان، سازمان شهرداری‌ها و سازمان بهزیستی، در قالب سندی اجرایی با شاخص‌های قابل سنجش (نظیر شاخص دسترسی به فضاهای بازی ایمن، شاخص تنوع بازی‌های فرهنگی و شاخص مشارکت کودکان).

بازنگری در تعریف حقوقی کودک در قوانین داخلی به منظور هم‌سوسازی با کنوانسیون (۱۸ سالگی) یا دست کم ایجاد طبقه‌بندی سنی واقع‌گرایانه که از نوجوانان زیر ۱۸ سال نیز حمایت کند.

ایجاد نظام نظارت و ارزیابی مستقل برای رصد اجرای ماده ۷ سند ملی و تطبیق آن با ماده ۳۱ کنوانسیون از

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-23]

طریق گزارش‌های سالانه و شفاف به نهادهای ملی و بین‌المللی.

ترویج آموزش عمومی درباره ارزش بازی برای والدین، معلمان و مدیران مدارس، با هدف تغییر نگرش فرهنگی که بازی را فعالیتی فرعی یا بی‌فایده تلقی می‌کند.

طراحی شهرهای دوستدار کودک با الهام از تجارب موفق کشورهای اسکاندیناوی، به ویژه در زمینه فضاهای بازی ایمن، عدالت جنسیتی در دسترسی و توجه به کودکان دارای نیازهای ویژه.

افزایش حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه بازی و آموزش کودک از طریق مشوق‌های مالیاتی و تسهیل صدور مجوز فعالیت.

گنجاندن مفهوم «حق بر بازی» در برنامه درسی تربیت بدنی و مطالعات اجتماعی مدارس ابتدایی، به عنوان بخشی از آموزش حقوق کودک.

تشکیل کارگروه بین‌دستگاهی برای نظارت بر تحقق حق بر بازی که بتواند داده‌های آماری دقیق از وضعیت بازی در مناطق مختلف کشور گردآوری کند و بر مبنای آن سیاست‌گذاری کند.

در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت که تحقق حق بر بازی در ایران، بیش از هر چیز نیازمند تغییر در نگرش عمومی نسبت به کودکی است. تا زمانی که بازی به عنوان ضرورت زندگی و ابزار رشد اجتماعی درک نشود، نه سیاست‌گذاری‌ها و نه قانون‌گذاری‌ها به تنهایی قادر به تضمین آن نخواهند بود. احترام به آزادی، خلاقیت و شادی کودک، همان چیزی است که ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق کودک به درستی آن را «جوهره رشد انسانی» می‌نامد.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-23]

References

1. Farahani A, Shabani Moghadam K. Exercise for children and toddlers. 6th ed. Isfahan: Legal Thoughts Publications; 2018. p.21-33. [Persian]

2. Mahjor SR. Game psychology. Tehran: Sasan Publications; 2004. p.29-47. [Persian]

3. Henricks TS. Play reconsidered: Sociological perspectives on human expression. Urbana (IL): University of Illinois Press; 2023.

4. Van Gils J. The child's right to play: the right to be a child. Edited by Alen A, Bosly H, De Bie M, Vande Lanotte J, Ang F, Delens-Ravier I, et al. In: The UN Children's Rights Convention: Theory meets practice. Proceedings of the International Interdisciplinary Conference on Children's Rights; 2006; Ghent, Belgium. Antwerpen: Intersentia; 2007. p. 359-375.

5. Gaskins S. The cultural meaning of play and learning in children's museums. Hand to Hand. 2008; 22(4): 8-11.

6. Katz C. Growing up global: economic restructuring and children's everyday lives. Minneapolis (MN): University of Minnesota Press; 2004.

7. Chawla L. Growing up in an urbanizing world. London: Routledge; 2016.

8. Lundy L, O'Lynn P. The education rights of children. Edited by Kilkelly U, Liefaard T. In: International human rights of children. Singapore: Springer; 2019. p.259-276.

9. Gosso Y, Otta E, Morais M de LS, Ribeiro FJL, Bussab VSR. Play in hunter-gatherer society. Edited by Pellegrini AD, Smith PK. In: The nature of play: Great apes and humans. New York (NY): Guilford Press; 2005. p.213-253.

10. Colucci E. Sport as a tool for participatory education-The grassroots soccer methodology. Sport, peace, and development. 2012; 341-54.

11. Harker C. Playing and affective time-spaces. Children's Geographies. 2005; 3(1): 47-62.

12. Thorne B. Gender play: Girls and boys in school Thorne. Buckingham: Open University Press; 1993.

13. Ginsburg KR, Communications Co, Child CoPAo, Health F. The importance of play in promoting healthy child development and maintaining strong parent-child bonds. Pediatrics. 2007; 119(1): 182-191.

14. Brooker L, Woodhead M. The right to play: Early childhood in focus 9. Milton Keynes: The Open University; 2013.

15. Shackel R. The child's right to play: laying the building blocks for optimal health and well-being. Edited by Smith AB. In: Enhancing children's rights: Connecting research, policy and practice. Basingstoke: Palgrave Macmillan; 2015. p.48-61.

16. Konani S. The Spirit of Child Rights; A Look at the Goals of Child Rights in a Comparative Approach. Child Rights Journal. 2021; 2(8): 147-181. [Persian]

17. Smith B, Williams O, Bone L, Collective tMSWC-p. Co-production: A resource to guide co-producing research in the sport, exercise, and health sciences. Qualitative Research in Sport, Exercise and Health. 2023; 15(2): 159-187.

18. Lang M, Hartill M. Safeguarding, child protection and abuse in sport: International perspectives in research, policy and practice. London: Routledge; 2014.

19. Eliasson I. "In different sports worlds": Socialisation among children, coaches, and parents in girls' and boys' football teams. European Journal for Sport and Society. 2015; 12(2): 187-214.

20. Donaldson A, Leggett S, Finch CF. Sports policy development and implementation in context: researching and understanding the perceptions of community end-users. International review for the sociology of sport. 2012; 47(6): 743-760.

21. Khadka S. Social rights and the United Nations-Child Rights Convention (UN-CRC): Is the CRC a help or hindrance for developing universal and egalitarian social policies for children's wellbeing in the 'developing world' The International Journal of Children's Rights. 2013; 21(4): 616-628.

22. Payà Rico A, Bantulà Janot J. Children's right to play and its implementation: A comparative, international perspective. Journal of new approaches in educational research. 2021; 10(2): 279-294.

23. Ahmadi MN, Pavey TG, Trost SG. Machine learning models for classifying physical activity in free-living preschool children. Sensors. 2020; 20(16): 4364. [Persian]

24. Tofighi Mohammadi M, Babakhani V, Ghamari M, Pooyamanesh J. The efficacy of reality therapy on differentiation and distress tolerance of mothers of intellectual disabilitie children. Journal of Psychological Science. 2022; 21(118): 2107-2122. [Persian]

25. Abbasi Kalimani A. Comparative study of Iranian laws and regulations with the Convention on the Rights

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-23]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

of the Child. Jurisprudence and Family Law. 2011; 15(53): 96-117. [Persian]

26. Doek JE. The CRC: Dynamics and directions of monitoring its implementation. Edited by Invernizzi A, Williams J. In: The human rights of children: from visions to implementation. Farnham: Ashgate; 2011. p.99-116.

27. Kilkelly U. Child first and children's rights: An opportunity to advance rights-based youth justice. Edited by Case S, Hazel N. In: Child first: developing a new youth justice system. Cham: Palgrave Macmillan; 2023. p.109-136.

28. Dashti F, Poordanesh SS, Vakilizadeh B. Comparative Analysis of Saudi Arabia's and Iran's Ideological Roles in Yemen Transformations. Int'l Stud J. 2022; 19: 217. [Persian]

29. Rahimi BA, Ishaq N, Mudaser GM, Taylor WR. Outcome of acute bacterial meningitis among children in Kandahar, Afghanistan: A prospective observational cohort study. PloS One. 2022; 17(4): e0265487. [Persian]

30. United Nations Children's Fund (UNICEF). Iran humanitarian situation report: end of year 2021. New York: UNICEF; 2021. Available from: https://www.unicef.org/media/119136/file/Iran-Humanitarian-Situation-Report-December-2021.pdf.

31. Totonchian M. Children's right to happiness, a manifestation of human rights in the modern era. Civil Rights Studies. 2021; 20(5): 125-144.

32. Beigi J. Legal strategy for children and adolescents in educational policymaking. Science and Technology Policy Letter. 2020; 9(4): 31-46. [Persian]

33. Hojaji Najafabadi M, Papa M. Children's Rights to Education in International Human Rights Documents. Child Rights Journal. 2019; 1(3): 213-237. [Persian]

34. Niazpour A, Rezaee Homedin S. Examining the child's right to recreation and entertainment. Psychology and Educational Sciences Studies (Takestan University). 2017; 6(3): 75-88. [Persian]

35. Gray P. Definitions of play. Scholarpedia. 2013; 8(7): 30578.

36. Ratey JJ, Hagerman E. Spark: The revolutionary new science of exercise and the brain. New York (NY): Little, Brown; 2008.

37. Duncan J, Lockwood M. Learning through play: A work-based approach for the early years professional. New York (NY): Continuum; 2008.

38. Miller E, Almon J. Crisis in the kindergarten: why children need to play in school. College Park (MD): Alliance for Childhood; 2009.

39. Committee on the Rights of the Child. General comment No. 12 (2009): The right of the child to be heard. Geneva: United Nations; 2009. CRC/C/GC/12, paras.22-25).

40. Collins TM. Child participation in monitoring the United Nations Convention on the Rights of the Child. Edited by Gal T, Duramy BF. In: International perspectives and empirical findings on child participation: from social exclusion to child-inclusive policies. New York (NY): Oxford University Press; 2015. p.405-437.

41. Lester S, Russell W. Children's right to play: an examination of the importance of play in the lives of children worldwide. The Hague: Bernard van Leer Foundation; 2010. (Working Papers in Early Childhood Development; No.57).

42. Lester S, Russell W. Children's right to play. Edited by Brooker L, Blaise M, Edwards S. In: The SAGE handbook of play and learning in early childhood. London: SAGE Publications; 2014. p.294-305.

43. Lang M, Hartill M. Safeguarding, child protection and abuse in sport: International perspectives in research, policy and practice. Abingdon (UK): Routledge; 2015.

44. Chaney P. Comparative analysis of state and civil society discourse on the implementation of the United Nations' convention on the rights of the child in North Africa. J North Afr Stud. 2017; 22(1): 6-34.

45. Tomescu M. Children's rights in today's society. Transylvanian review. 2011; 20(1): 138-146.

46. United Nations General Assembly. Universal Declaration of Human Rights. Paris: United Nations; 1948. (Resolution 217 A (III); UN document A/RES/217(III)[A]).

47. Brazier C. Building the future: Children and the Sustainable Development Goals in rich countries. Innocenti Report Card 14. Florence: UNICEF Office of Research - Innocenti; 2017. Available from: https://www.unicef.org/reports/building-future.

48. Carvalho E. Measuring children's rights: An alternative approach. Int J Child Rights. 2008; 16(4): 545-563.

49. Churchman A. Is there a place for children in the city? Journal of Urban Design. 2003; 8(2): 99-111.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-23]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

50. Pellis SM, Pellis VC. Play and the development of social engagement: A comparative perspective. Edited by Marshall PJ, Fox NA. In: The development of social engagement: neurobiological perspectives. New York (NY): Oxford University Press; 2006. p.247-274.

51. McEwen BS. Physiology and neurobiology of stress and adaptation: central role of the brain. Physiol Rev. 2007; 87(3): 873-904.

52. Hodgkin R, Newell P. Implementation handbook for the Convention on the Rights of the Child. 3rd ed. Geneva: UNICEF; 2007. Available from: https://www.unicef.org/reports/implementation-handbook-convention-rights-child.

53. Birn AE, Kumar R. Societal determinants and determination of health. Edited by Benatar S, Brock G. In: Global health: Ethical challenges. 2nd ed. Cambridge: Cambridge University; 2021.

54. Nasiri S. Pathology of Children's Criminal Law in Iran. Civil rights studies. 2020; 16(4): 181-200. [Persian]

55. United Nations Children's Fund (UNICEF). UNICEF annual report 2021: Protecting child rights in a time of crises. New York: UNICEF; 2022. Available from: https://www.unicef.org/reports/unicef-annual-report-2021

56. Beheshti MH, Hajizadeh R, Alami A, Emkani M, Mansouri Y, Tajpoor A. Design of children's play equipment (slides, swing, See-Saw) in urban Parks based on national standards and children's anthropometric data. Journal of Health and Safety at Work. 2021; 11(3): 458-475. [Persian]

57. David P. Human rights in youth sport: A critical review of children's rights in competitive sport. London: Routledge; 2004.

58. Camfield L, Streuli N, Woodhead M. What's the use of 'well-being' in contexts of child poverty? Approaches to research, monitoring and children's participation. Int J Child Rights. 2009; 17(1): 65-109.

59. Tajeddin A, Shahriari-Ahmadi M, Afrooz G, Pasha-Sharifi H. A comparative study of the applicable laws relating to educational support of exceptional children and adolescents of Iran and UNICEF international organization. Int J Body Mind Cult. 2024; 11(3): 231-241. [Persian]

60. Todres J, Kilkelly U. Children's rights and children's development: An integrated approach. New York (NY): New York University Press; 2025. p.376.

61. Eliasson I. The gap between formalised children's rights and children's real lives in sport. Int Rev Sociol Sport. 2017; 52(4): 470-496.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-23]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.